

Major	گرایش	Define	تعریف می کند
I am married	ازدواج کرده ام	Outlines	خلاصه می کند
Ministry	وزارت	Carries out	انجام می دهد
Municipalpty	شهرداری	Its tasks	وظایفش
Graduate	فارغ التحصیل	Definitions	تعاریف
I work in	در ... کار می کنم	Because	از آنجا که
I am 30 years old	سی ساله هستم	Familiar	آشنا
Industrial management	مدیریت صنعتی	Concept	مفهوم
Basic information	اطلاعات اساسی	in common use	کاربردهای زیاد
Similar to	مشابه	Exist	موجود
Its counterparts	همتاهايش	Inappropriate	نا مناسب
Include	شامل	Objective	هدف
Risk management	مدیریت ریسک	typical	کلی
Logistics management	مدیریت تدارکات	Relevant	مرتبط
Specialize	تخصصی	Direction	هدایت
Entry	ورود پیدا کردن	Enterprise	موسسه
Corporate	شرکت	Through	از طریق
Folk	گروه	Organising	سازماندهی
Long term	بلند مدت	Coordinating	هماهنگی
Planning	برنامه ریزی	Controlling	کنترل
Skill	مهارت	Human	انسان
Production	تولید	Material	ماده
Keen	هوشمند	Resources	منابع
Sense	حس	Towards	به منظور
Business	کسب و کار	Achievment	تحقق، دستیابی
Along with	همراه	Predetermined	از پیش تعیین شده
Understanding	درک	Process	فرآیند
Economic	اقتصادی	Individual	فردی
Finance	مالی	Group	گروهی
Accurate	صحیح	Activity	فعالیت
Crystal ball	شفاف	Goals	اهداف
Demand	تقاضا	Similarities	وجه اشتراك
Government organizations	سازمانهای دولتی	Statements	تعاریف
Company	شرکت	Theory	نظریه
Who am i?	من کیستم؟	Discussed	بحث شده
Financial manager	مدیر مالی	Complementary	مکمل
Bachelor of art	لیسانس	Principles	اصول
Running a business	اداره کردن یک کسب و کار	Assistance	کمک
Fickleness	ناپایداری	Takes place	واقع می شود
Consideration	مورد توجه قرار دادن، در نظر گرفتن	Levels	سطوح
Supply	عرضه	Section leaders	رهبران قسمت
Last years gross revenues	سودهای ناخالص سالهای گذشته	Supervisors	سرپرستان
Related majors	گرایشهای مرتبط	Chife clerks	سر منشی ها
Accounting	حسابداری	Formen	سر کارگران
Business communications	ارتباطات کسب و کار	Ect	غیره
Entrepreneurship	کارآفرینی	Functions	وظایفش
Finance	مالی، امور مالی	Obviously	بدیهی است
Introduction	مقدمه	Job title	عنوان شغلی
Chapter	فصل	Managerial	مدیریتی

گرایش : مدیریت صنعتی

گرایش مدیریت صنعتی مشابه همتهایش که شامل مدیریت ریسک، مدیریت تدارکات یک رشته ی کاملاً تخصصی است که در شرکتهای آمریکایی ورود پیدا کرده است.

گرایشهای مدیریت صنعتی با گروه مهارتهای برنامه ریزی بلند مدت هستند که به مدیریت کمک می کنند به برنامه و اداره کردن استراتژی تولید شرکتهای. این بدان معنی است که آنها باید یک حس هوشمند از کسب و کار داشته باشند به همراه درک از اقتصاد و مالیه. ضمن داشتن آن توانایی ها باید دید شفاف از کسب کار داشته باشند. گرایش های مدیریت صنعتی همیشه توسط شرکتهای سازمانهای دولتی مورد تقاضا است. اداره کردن کسب و کار مثل راندن قطار شهر بازی می باشد و گرایشهای مدیریت صنعتی وجود دارند تا کمک کنند به کنترل برخی ناپایداریها با تدارک برنامه ریزی استراتژیک بلند مدت که این را مورد توجه قرار می دهند هر چیزی را از عرضه، تقاضا یا حتی سود ناخالص سال قبل.

گرایشهای مرتبط :

حسابداری، علوم آماری، ارتباطات کسب و کار، اقتصاد، کارآفرینی، مالی (امور مالی)

مدیریت چیست :

مقدمه :

۱- این فصل مدیریت را تعریف می کند و خلاصه می کند راههایی را که مدیریت برای انجام وظایفش انجام می دهد.

تعاریف مدیریت :

۲- از آنجا که مدیریت یک مفهوم آشنایی است و این واژه کاربردهای زیادی دارد تعاریف متعددی وجود دارد. بعضی از این تعاریف موجود به لحاظ اهداف مطالعه ی ما نامناسب است. اما دو تعریف کلی وجود دارد :

مدیریت هدایت یک موسسه است از طریق برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل منابع انسانی و مواد به منظور تحقق اهداف از پیش تعیین شده و فرایند هماهنگی فعالیتهای فردی و گروهی به منظور تحقق اهداف گروهی. وجوه اشتراک مشخصی بین این دو تعریف وجود دارد. به هر حال دیده خواهد شد که تئوری سیستم ها مکمل اصول مدیریت است و می تواند به مدیریت در انجام وظایفش کمک کند.

۳- مدیریت، فرایندی است که در تمام سطوح سازمانی واقع می شود. لازمه ی انجام وظایف مدیریت، داشتن عنوان شغلی مدیریت نیست. رهبران قسمتها، سرپرستان، سرمنشی ها، سرکارگران و غیره همه ی اینها وظایف مدیریتی را انجام می دهند. بدیهی است که اینها یک نوع وظیفه نیست و از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. وظیفه ای که شخص انجام می دهد اهمیت دارد عنوان شغلی اهمیتی ندارد.

وظایف مدیریت :

۴- وظیفه ی کلی مدیریت شامل وظایفی از قبیل : برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، کنترل و ایجاد انگیزش می باشد گر چه همه ی مدیران همه ی این وظایف را انجام نمی دهند.

۵- برنامه ریزی : برنامه ریزی جزء وظایف اولیه مدیریتی است که وظایف سازماندهی، کنترل از آن ناشی (مشتق) می شوند. این وظیفه شامل تمام فعالیتهای مدیریتی است که به تعریف اهداف و تعیین ابزارهای مناسبی برای تحقق این اهداف منتهی می شوند. اگر چه همه ی مدیران در تمام سطوح برنامه ریزی می کنند بعضی از آنها فقط می توانند در قالب اهدافی که بوسیله سطوح بالاتر تعیین شده است برنامه ریزی کنند.

وظیفه ی کلی برنامه ریزی شامل : تعیین اهداف و اولویتهای، پیش بینی ها، عملیاتی کردن برنامه ها از طریق بودجه بندی، تعیین خط مش ها به منظور دستیابی اهداف مطلوب (مورد نظر) (تعیین شده).

سیستمهای اطلاعاتی کمک زیادی را برای مدیریت در اجرای وظیفه اش تامین می کنند.

۶- سازماندهی و هماهنگی : این وظیفه که عبارت باشد از سازماندهی، هماهنگی وسیله ای است که از طریق آن مدیریت منابع مادی و انسانی را هماهنگ می کند از طریق طراحی یک ساختار سازمانی، وظایف مشخص و اختیارات مناسب.

این وظیفه تلاش می کند که به سوالاتی از قبیل : طبیعت و محتوای هر شغلی چیست؟ مشاغل چگونه باید دسته بندی شوند؟ اندازه ی صحیح این گروه ها چقدر باید باشد؟ اختیارات به چه نحوی توزیع بشود؟ پاسخ دهد. تئوری سیستمها می تواند بعضی از پایه ها را که از طریق آن مدیریت می تواند وظیفه سازماندهی و هماهنگی اش را انجام دهد را فراهم نماید.

۷- کنترل : این وظیفه شامل همه ی فعالیتهایی است که اجرا شده در راستای تلاش که مطمئن بشویم نتایج واقعی یا عملیاتی با اهداف برنامه ریزی شده تطبیق دارند. این بخشی از وظیفه ی مدیریتی است که توجه زیادی به خودش جلب کرده که برای آن انواع متعددی از اطلاعات مدیریت طراحی شده برای مثال : کنترل موجودی، سیستم کنترل بودجه. اصول کنترل، بازخوردهای آنها در یک مرکزی در تئوری سیستمها قرار می گیرند.

Policy خط مشی ، Administration اداره، Share Holders سهامداران، Board of director هیات مدیره، Chairman of the Board رئیس هیات مدیره، Managing director مدیر عامل، Chief executive officer بالاترین مسئول اجرایی، Assembly of Share holders مجمع سهامداران، Financial Manager مدیر مالی Steam احترام، Pure، خالص، Self fulfillment، خودشکوفایی، Frustrations، محرومیت روحی، Eliminate، از بین بردن، حذف، Aggressions، پرخاشگری، Withdrawal، عدم پذیرش، e.g، برای مثال، Achievement، دستاورد، Recognition، شناخت، Advancement، پیشرفت، Interesting work، کار جالب، Job، Enrichment غنی سازی شغلی، Job Enlargement، گسترش شغلی، Adopt، پذیرفتن، participative، مشارکتی، Style، سبک، Dealing with، در رابطه با، Involves، شامل می شود، Delegation، تفویض اختیار، Adequate، مناسب، Means، ابزار.

۸- **انگیزش** : این بخش از وظیفه مدیریتی، نسبت به سایر وظایف کمتر جنبه ی مکانیکی دارد و عبارت است از تشخیص اهمیت حیاتی عامل انسانی در سازمان. مدیران کارها را از طریق کارکنانشان انجام می دهند و رفتار کارکنان از طریق تمایلات آنها برای رسیدن به اهداف مشخص ایجاد انگیزه می شود. یعنی آنها می خواهند نیازهای خاصشان تحقق یابد. در موارد کمتر تبیین شده که انگیزه های مالی به عنوان تنها وسیله برای ایجاد انگیزه برای کارکنان قلمداد می شد. در حال حاضر، این طور تشخیص داده شده در حالیکه پول یک انگیزه ی مهمی است کارکنان دنبال ارضای مسایلی هستند به غیر از صرفاً نیازهای اقتصادی.

نوعی از نیازهای دیگر ایمنی، امنیت، پذیرش (مورد قبول بودن)، احترام، خود شکوفایی می باشد. شناخت کامل چنین نیازهایی در موقع فعالیتهای برنامه ریزی، سازماندهی باعث می شود مشکلات روانی محرومیت روحی، عدم پذیرش، پرخاشگری در افراد از بین برود. به این نتیجه رسیده ایم (اثبات شده) که انگیزه بالا در سازمان وجود دارد زمانیکه عوامل خاصی نظیر دستاورد، شناخت، رشد، کار جالب، امکان ارتقا (رشد)، مسئولیت در سازمان وجود دارد. آن مدیرانی که آگاهانه مدیریت بر مبنای هدف را عملی می کنند (انجام می دهند) غنی سازی شغلی و گسترش شغلی در سازمان را انجام می دهند پذیرفته اند نوعی مدیریت مشارکتی را آنها به احتمال زیاد می توانند ایجاد انگیزه بکنند در کارکنانشان بطور موثرتری.

۹- **تصمیم گیری** :

مدیریت در رابطه با برنامه ریزی، سازماندهی، کنترل، ایجاد انگیزه، مجبورند بطور مستمر تصمیم بگیرند. تصمیم گیری متضمن انتخاب یک گزینه بین گزینه های مختلف و نتیجتاً در تمام فعالیتهای مدیریتی موجود است. به لحاظ اهمیتش به عنوان بخشی از وظیفه مدیریتی در فصل های بعدی بیشتر برخورد خواهد شد.

اندازه کسب و کار :

۱۰- **کسب و کار یک نفره**، در کسب و کار یک نفره تمام وظایف مدیریتی لازم در یک شخص قرار دارد. تفویض اختیاری وجود ندارد، ارتباطاتی موجود نیست. مشکلات سازمانی وجود ندارد. اکثر جنبه های مدیریتی که معمولاً به جنبه های فنی (تکنیکی) مربوط می شوند بطور موثرتر انجام می شوند.

۱۱- **رشد کسب و کار:** همزمان با رشد کسب و کار، الزام پیدا می کند که ما سازمان طراحی کنیم و متخصصینی را استخدام کنیم که وظایف اصلی برای مثال تولید، بازاریابی، اداری و مالی را انجام دهند. همزمان با افزایش تعداد افراد، تامین ابزارهای کافی برای ارتباطات به منظور تامین اطلاعات مورد نیاز مدیریت برای برنامه ریزی، تصمیم گیری و کنترل، الزام می یابد.

۱۲- **روابط رسمی و غیر رسمی،** روابط غیر رسمی که بین مدیران، بین مدیران و مافوق هایشان، بین مدیران و مرئوسینشان وجود دارد از اهمیت حساسی در تمام اندازه سازمانها برخوردار است. به هر حال، چون سازمانها در اندازه رشد می کنند، نیاز به توسعه وجود دارد. علاوه بر این، ساختار سازمان رسمی و خطوط ارتباطی و اقتدار و حمایت از سیستم های اطلاعات مدیریت.

سطوح مدیریت:

۱۳- به طور خاص سه سطح مدیریت در بیشتر سازمان ها وجود دارد. مدیریت عالی، مدیریت میانی و مدیریت عملیاتی.

۱۴- **مدیریت ارشد،** این سطح از مدیریت هماهنگی می کند فعالیت های کسب و کار را به عنوان یک کل و دارای یک دیدگاه راهبردی از سازمان می باشد. این بستگی دارد به ایجاد اهداف کلی برای کسب و کار و توسعه خط مشی های مناسب به طوری که اهداف قابل تحقق باشند. نمونه ای از وظایف مدیریت ارشد عبارتند از: برنامه ریزی بلند مدت، تصمیمات سرمایه گذاری، تجدید ساختار سازمانی، انتصاب مدیریت میانی، تملیک و ادغام و غیره. **Acquisition** تملیک، **Restructuring** تجدید ساختار

۱۵- **مدیریت میانی،** این ممکنه سطح تاکتیکی مدیریت نامیده شود که وظیفه ی کلی اش اجرای خط مشی های وضع شده توسط مدیریت ارشد می باشد. این سطح از مدیریت اهداف را هدف گذاری می کنند اما دامنه این اهداف محدودتر است و تابع اهداف تعیین شده توسط مدیریت ارشد می باشد. نمونه ای از وظایف مدیریت میانی عبارتند از: خرید، برنامه ریزی تولید، خط مشی های تخفیف و اعتبارات، اجرای سیاست های بازاریابی و تبلیغات، ترویج فروش، انتصاب کارکنان و غیره.

۱۶- **مدیریت عملیاتی (اجرایی)،** این سطح از مدیریت در ارتباط با فرایندهای روز به روز (روزانه) نظارت و هدایت فعالیتهای عادی کسب و کار از قبیل: تولید، ارسال، فروش، حسابداری، و غیره است. اغلب این سطح از مدیریت ممکنه "مدیران" نامیده نشوند اما عناوینی همچون: دستیار، سرپرست، سر منشی، سر کارگر و غیره خواهند داشت. کاری که انجام می دهند به هر حال درگیر مدیریت می باشند. **Charge hand** دستیار، **Supervisor** سرپرست، **Chief Clerk** سر منشی، **Foreman** سرکارگر

۱۷- **ارتباطات بین سطوح،** ارتباطات لازم برای هدایت و نظارت به طرف پایین جریان پیدا می کند. و اطلاعات مورد نیاز برای برنامه ریزی، گزارش دهی و کنترل اهداف داخل و بین سطوح جریان دارد. اگر چه برخی از اطلاعات از مجاری رسمی صورت نمی گیرد به منظور حصول اطمینان از جریان کامل اطلاعات مربوطه لازم است سیستمهای اطلاعات رسمی توسعه یابند. به منظور تسهیل جریان اطلاعات و ارائه اطلاعات در قالب صحیح، متخصصین متعدد و وظایف تخصصی متعددی رشد کرده است. نمونه ای از اینها حسابداران و متخصصان کامپیوتر می باشند.

تصمیم گیری:

۱۸- تصمیم گیری بخش مهمی از وظیفه مدیریتی است و در تمام سطوح مدیریت انجام می شود. به طور کلی از نظر مقیاس زمانی از تصمیم به نتیجه و یا اجرا در سطح استراتژیک، بلند مدت است، در سطح تاکتیکی، میان مدت در سطح عملیاتی، و کوتاه مدت است. برای مثال، یک تصمیم هیئت مدیره برای تغییر تاکید بازاریابی یک شرکت از فروش به عمده فروشان به فروش مستقیم به عموم مردم (خرده فروشی) ممکن است سال ها به طول بیانجامد؛ یک تصمیم سطح تاکتیکی توسط مدیر تولید برای تغییر مسیر محصولات در یک کارخانه ممکن است هفته ها یا ماهها به طول بیانجامد. بر عکس یک تصمیمی که توسط سرپرست توزیع برای ارسال یک بسته محصول توسط قطار یا کامیون نتیجه اش بلافاصله مشخص می شود.

۱۹- موارد اثر گذار خارجی (نفوذهای بیرونی):

هر چقدر که سطوح مدیریت بالاتر باشد آن بیشتر درگیر عوامل بیرونی نظیر: قوانین جدید دولتی، تغییرات در بازار، وضعیت اقتصادی، عمل رقبا و غیره خواهد بود. در سطوح پایین تر عوامل بیرونی به میزان قابل توجهی از اهمیت کمتری برخوردارند. و دستورالعمل های داخلی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

Acousion	Process of getting possession of corpration	فرایند تملیک یک شرکت
Merger	Union of two or more commercial interest	ترکیب دو یا بیشتر شرکت
Take-Over	Control or management of corpration	اعمال کنترل بر شرکت

در سطوح بالاتر تصمیم گیری کمتر جنبه ی ساختاری دارد و دستورالعمل های کمتری در دسترس قرار دارند. سیستم های اطلاعاتی بایستی نیازهای متفاوت سطوح مختلف را در نظر بگیرد و بایستی به نحوی طراحی شود که مرتبط ترین اطلاعات را برای تصمیم سطوح مختلف مدیریت تامین نماید.

۲۰- ریسک :

تصمیم گیری همیشه متضمن یک انتخاب بین گزینه های مختلف می باشد و همیشه متضمن ریسک است به دلیل اینکه مرتبط است با تخمین درآمدهای آتی، هزینه ها، پیامدها و رویدادها که هیچ یک از آنها را نمی توان با قاطعیت بدانیم. اطلاعات عدم اطمینان را کاهش می دهد و کمک می کند تا مدیران اثرات احتمالی تصمیم گیری های مختلف را ببینند. اما سیستم های اطلاعات، تصمیم واقعی را اخذ نمی کنند و اخذ تصمیم وظیفه ی مدیریتی است.

تصمیم بر مبنای اطلاعات واقعیت دارد حتی زمانی که سیستم های اطلاعاتی ما اتوماتیک هستند این اصل مصداق دارد برای مثال یک سیستم کنترل انبار بطور خودکار، باعث می شود یک دستور دوباره برای تهیه کردن آن زمانی که موجودی انبار به یک مقدار مشخصی می رسد. Triggers (باعث می شود)، Replenishment (دوباره پرکردن)

تصمیم واقعی در این شرایط، یک تصمیم مدیریتی است که تعیین می کند سطح سفارش مجدد را یا وضع می کند اصولی را که بر مبنای آنها می تواند سطح سفارش مجدد محاسبه شود.

۲۱- عوامل غیر قابل سنجش :

همانطور که در بالا ذکر شد، اطلاعاتی که توسط سیستم اطلاعات مدیریت یک سازمان تهیه می شود، دارای ارزش قابل توجهی در تصمیم گیری مدیریتی است. این اطلاعات فقط یک عامل در این فرایند است، در حالیکه عوامل : سلیق، تجارب، مشاهدات، روابط غیر رسمی، فشارهای گروهی، اعتبار، فشارهای خارجی در تصمیم گیری دخالت دارند. عوامل اخیر را غیر ممکن است بتوان تجزیه و تحلیل کرد و یا کمی کرد. با این وجود بسیار مهم هستند. سیستم های اطلاعاتی رسمی بایستی به عنوان مکمل این عوامل در نظر گرفته شوند نه به عنوان جانشین آنها.

خلاصه

۲۲- الف . وظیفه اصلی مدیریت دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است.

ب . مدیریت وظیفه اش را از طریق برنامه ریزی، سازماندهی و هماهنگی، کنترل و ایجاد انگیزه انجام می دهد.

د . هر چقدر کسب و کار بزرگتر شود سطوح مدیریت بیشتر ظاهر می شود.

د . سطوح مدیریت به طور معمول می تواند به عنوان استراتژیک (سطح بالا)، تاکتیکی (سطح متوسط) و عملیاتی (پایین ترین سطح) شناسایی شود.

ی. تصمیم گیری در تمام نواحی و سطوح انجام می شود.

ف. تصمیم گیری متضمن انتخاب بین گزینه ها و همیشه همراه ریسک است.

ج. علاوه بر روش های غیر رسمی ، سیستم های اطلاعاتی لازم است زمینه هایی را که تصمیمات بر مبنای آنها اخذ می شوند را تامین نمایند.

۲۳ - الف- مدیریت بخشی از وظیفه ی بسیاری از کارکنان است تا آنهایی که واژه ی مدیریت به آنها اطلاق می شود.

ب- بسیاری از شرکت های بزرگتر ظاهراً سطوح بیشتری از سه سطح شرح داده شده در این فصل را دارند.

بررسی وظایف انجام است به احتمال زیاد به برف که سطوح مختلف می تواند به سه دسته توصیف طبقه بندی شده.

محل کارخانه

قسمت تولید **Keynsworth (UK)** با مسئولیت محدود است که در ومبلی، لندن از سال ۱۹۵۷ مشغول به کار است. در طول این زمان، این شرکت به یک رکورد از رشد با ثباتی دست یافته است. در واقع، از سال ۱۹۷۵، خروجی تا بیش از سیصد و پنجاه درصد افزایش یافته است. این افزایش تولید یک فشار افزایشی بر روی تسهیلات کارخانه در ومبلی داشته است. هیئت مدیره، که شامل مدیر عامل **Keynsworth (UK)** با مسئولیت محدود، از شرایط سخت کار که تمام پرسنل برای سالهای متمادی آن را تجربه کرده اند، آگاه است.

مشکل جدی است ما بایستی که پتانسیل برای توسعه ظرفیت تولیدی خودمان را داشته باشیم تا موقعیت رقابتی را در بازار حفظ کنیم. در سال گذشته، ما مشغول بررسی امکانات توسعه ی عملیاتمان در انگلیس بوده ایم

. اگر قادر می بودیم که زمین های بیشتری در ومبلی بخریم سایتمان را گسترش داده بودیم.. تلاش ما برای انجام این کار شکست خورده است. در نتیجه، گزینه محل های جایگزین مورد توجه قرار گرفت. عوامل مهم در این مطالعات محل یابی، در دسترس بودن نیروی کار ماهر، حمل و نقل، مواد، و کمک های مالی دولت در نظر گرفته شده است. هیئت مدیره به یک تصمیمی رسیده که بخش تولید محل کارخانه جدید در **PETERHEAD**، اسکاتلند باشد. این سایت ومبلی به عنوان مرکز خدمات و انبار نگهداری می شود، و شرکت بهترین تلاشش را می کند که محدود کند کارکنان زاید را از طریق پیشنهاد مشاغل جایگزین، در صورتی که امکانش باشد. متأسفانه، شرکت نمی تواند به اکثریت نیروی کار مشاغل جدیدی پیشنهاد دهد. هیئت مدیره امیدوار است که تیم مدیریت موفقیتش را به **Poterhead** انتقال خواهد داد. ما کاملاً درک می کنیم تاثیر یک چنین حرکتی را روی زندگی شما. به هر حال، ما این تصمیم دشوار را نمی گرفتیم اگر گزینه عملی دیگری وجود داشت. **PETERHEAD**، یک شهر مطلوبی است، مسکن بسیار عالی، مدارس و امکانات ورزشی مناسبی دارد. شرکت قصد دارد تا آنجا که می تواند کمک ارائه کند تا جابجایی مجدد به راحتی انجام شود. ما امیدواریم که شما همه به ما ملحق شوید در این حرکت شما نقش موثری در توسعه آتی شرکت ایفا کنید.

Situated واقع شده، واقع، اسم وضعیت اشاره می کند خصوصاً به مکانی که در آن یک شخص یا چیزی است، در ارتباط با اشخاص یا چیزهای دیگر. همچنین می تواند به یک موقعیت استخدام اشاره نماید. چه اطلاعاتی شما انتظار دارید پیدا کنید در تبلیغات در موقعیت های خواسته شده و خالی؟

Record، رکورد، عملکرد رسیده است و نوشته شده است.

Pressure، فشار، تقاضا، مورد نیاز شدید

Facilities، امکانات، به این معنی که از طریق آن چیزی می تواند به راحتی انجام شود، نیروی کار، تجهیزات، ماشین آلات، فضا، و غیره

Is aware of، آگاه است، می داند در مورد، می بیند و درک می کند

Serious، جدی، ایجاد تفکر عمیق، فرض کنید یک سخنران می گوید چیزی، و می خندد، و سپس جمله بعدی خود را آغاز می کند با عبارت " به طور جدی، در حال حاضر، چگونه می توانید شما فکر کنید درباره ی جمله بعدی سخنران، که با جمله قبلی متفاوت است؟

Expand، گسترش، افزایش، فلزات وقتی گرم می شوند منبسط می شوند و وقتی خنک می شوند منقبض می شوند. خواص انبساط و انقباض فلز جیوه برای نمایش دما در درجه های فارنهایت، سانتی گراد یا کلوین مورد استفاده قرار می گیرند. نام وسیله ای که در این روش استفاده می شود چیست؟

Competitive، رقابتی، دو یک ورزش رقابتی است. ورزشکاران یک مسابقه یکسان به رقابت با یکدیگر می پردازند، کسب و کار چگونه با یکدیگر رقابت می نمایند؟

Purchase، خرید، اسم آن همچنین خرید است.

Consequently، در نتیجه، بنابراین

Alternative، جایگزین، یکی دیگر از (محل) را انتخاب کنید. یک جایگزین به طور کلی یک انتخاب را به یکی از دو امکان محدود می کند.

Considered، در نظر گرفته، فکر کردن بطور دقیق

Grants، کمکهای مالی، مجموع پول درخواست شده و داده شده

Warehouse، انبار، ساختمانی که کالاها در آن ذخیره می شوند.

Redundancies، موانع، فرصت های شغلی از دست رفته، یک کارگر از کار بر کنار شده توسط کارفرمای خویش مورد نیاز نیست. کارکنان زاید

Offering، پیشنهاد، ارائه برای پذیرش

Transfer، انتقال، تغییر مکان یا موقعیت

Effect؛ تاثیر، نتیجه های علت به ارمغان آورد. اثر در ومبلی از نقل مکان کارخانه از دست دادن شغل ها بود. علت چه بود؟

Viable، زنده، به احتمال زیاد موفق، عملی

Staff، کارکنان

Promotion، ابقاء شغلی، ایجاد طرح جدید

سوالات درک مطلب

۱- چرا Keynesworth با مسئولیت محدود بخش تولیدش را جابجا کرد؟

(الف) به دلیل آن است که در لندن واقع شده است.

(ب) به دلیل گسترش سایت کنونی.

(ث) به دلیل اینکه Keynesworth با مشکلات مالی جدی مواجه شده است.

(د) بدلیل اینکه ظرفیت کنونی نمی تواند افزایش روزافزون خروجی را پشتیبانی نماید.

۲- چرا Keynesworth نمی تواند عملیاتش را توسعه دهد؟

(الف) مقررات دولتی اجازه ی چنین گسترشی را نمی دهد.

(ب) نتوانسته زمین بیشتری در ومبلی خریداری نماید.

(ج) تیم مدیریتی قادر به سازگاری با شرایط جدید نیست.

(د) شرکت با کارکنان زاید زیادی مواجه می شد.

۳- پیشنهاد شغل جدید به کارمندان فعلی ارائه می شود به خاطر اینکه ؟

(الف) کاهش سربار و هزینه ها

(ب) کاهش رشد مداوم در بازدهی

(ج) کاهش تعداد کارکنان که شغل خود را از دست می دهند

(د) جذب کمکهای مالی دولتی

۴- نیروی کار ماهر، یک عامل بسیار مهم بود در تصمیم برای اینکه

(الف) برای اینکه امکانات جدید را در کجا قرار دهند. (کارخانه را به کجا ببریم)

(ب) چه وقت به Peterhead حرکت کنند.

(ج) برای حفظ موقعیت رقابتی در بازار

(د) نقل مکان

۵- کلمه "زنده" در خط ۲۶ مترادف است با :

الف) مهم

ب) عملی

ج) باور نکردنی

د) فراوان

تولید

معمولاً تولید به انواع : تولید بر مبنای سفارش، تولید دسته ای و تولید جریانی طبقه بندی می شود. در تولید بر مبنای سفارش ، محصولات بر مبنای نیازهای خاص مشتری ارائه می شود و کل پروژه یک عملیات است که این کامل میشود قبل از اینکه به پروژه بعدی برود.

یک مثال خوب از این نوع کار کشتی سازی است. در تولید بر مبنای سفارش، یک محصول در یک زمان تولید می شود، در حالیکه در تولید دسته ای، تعدادی کالای مشابه تولید می شوند به منظور بر آورده کردن تقاضای مستمر فروش.

اندازه های این دسته ها تغییر می کند اما آن میزانی که تولید می شود مازاد بر نیاز ضروری است و تولید مازاد انبار می شود. Surplus مازاد

نهایتاً در تولید جریانی، تولید یک محصول انجام می شود از یک عملیات به عملیات دیگر بر اساس نرخ خروجی برنامه ریزی شده. It is argued چنین تصور می شود (چنین بحث می شود)

چنین تصور می شود که نوع روش تولیدی که بکار گرفته میشود بستگی به روند پیشرفت یک شرکت دارد. این بدان معنی است که بسیاری از کارخانه ها، تولید را بر مبنای تولید سفارشی آغاز می کنند، همانطور که حجم تولید زیاد می شود به تولید دسته ای و به تولید جریانی تبدیل می شود. حجم محصول الزاماً (همیشه) نمی تواند نوع تولید را تعیین کند. Aimed at هدف گذاری شده

درحقیقت، در صنعت خودرو، ابزار بر مبنای تولید سفارشی تولید می شوند. قطعات بر مبنای تولید دسته ای تولید می شوند، و محصول نهایی بوسیله ی روشهای جریانی مونتاژ می شوند. Associated with وابسته است به

تولید جریانی به چیدمان جریان وابسته است، در حالیکه تولید سفارشی و دسته ای به چیدمان فرایند وابسته اند. در یک چیدمان جریانی، ماشین های مشابه در بخش یکسانی از کارخانه با یکدیگر گروه بندی می شوند، و کار در حال پیشرفت (کالای در جریان ساخت) از یک قسمت کارخانه به قسمت دیگر منتقل می شود. در یک چیدمان جریانی، تجهیزات (ابزار) تولید مرتب شده اند بر اساس همان توالی عملیاتی که روی محصول انجام می شود. Scheme طرح

هر یک از این عملیات بایستی قابلیت انجام فرآیند را داشته باشند و خروجی هر یک از این عملیات بایستی متعادل بشود به منظور تامین یک جریان روان کار..

برای هر دو نوع طرح استقرار مزایایی وجود دارد. در سیستم طرح استقرار فرآیندی انعطاف پذیری بیشتر است و تخصص بیشتری از ماشین آلات و نیروی کار امکان پذیر است در حالی که در طرح استقرار جریان حفظ سطح بالایی از موجودی انبار و یا تقاضای مهارت زیادی در نیروی کار ضروری نیست.

Classify	Arrange in groups according to a system	Classify these words: Classify, classification, rotate, rotation, produce, production
طبقه بندی	آرایش در گروه ها مطابق یک سیستم	طبقه بندی کنید این واژه ها: طبقه بندی، طبقه بندی، چرخش، چرخش، تولید، تولید
Batch	Number of things made in one operation	
دسته	تعدادی از چیزهایی که در یک عملیات ساخته شده	
Whereas	She is tall, Whereas most other staff will be made redundant	
در حالیکه	او بلند است، در حالیکه بیشتر کارکنان زائد هستند	
Quantity	Amount	Number of things referred to
مقدار	مقدار	تعدادی از چیزهایی که به آن اشاره شده است
Amounts to	Adds up to	
مقدار به	می افزاید به	
Surplus	Quantity over and above the quantity which is needed	
مازاد	مقدار بالاتر از مقداری که مورد نیاز است	
Proceeds	Goes on; continues (in certain process)	
پیش می رود	می رود، همچنان ادامه دارد (در فرآیند مشخص)	
Argued	The verb argue here means “ try to show that something is true by giving reasons”	
استدلال	فعل استدلال اینجا به معنی سعی کنید نشان دهید که چیزی درست است توسط ارائه دلایل	
Volume	Quantity ; amount, A storage container is ۱,۲ cm long by ۸۰ cm wide by ۵۰ cm deep .What is the volume of the container in cubic centimeters (cm ^۳)	
حجم	مقدار، مقدار، یک ظرف ذخیره سازی طولش ۱,۲ سانتی متر، عرضش ۸۰ سانتیمتر و ارتفاعش ۵۰ سانتیمتر است حجم آن به متر مکعب چقدر است؟	
This the case	This is not always the case	This is not always the situation
Determined	Defined and decided on	
تعیین	تعریف و تصمیم روی	
Components	Various parts which make up the whole	
اجزا	بخشهای گوناگونی که یک کل را می سازند	
Assembled	Connected ; linked; in relation	
مونتاژ شده	متصل شده، متصل، در رابطه با، مرتبط	
In progress	Moving forward to completion	
در پیشرفت	حرکت به سوی تکمیل	
Sequence	Order in which one thing follows another	Continuous or related steps in a process
توالی		پیوستگی یا مراحل مرتبط در یک فرآیند

Flexibility	Capability of change or easy alteration	A flexible object able to bend without breaking	Why are the necks of some desk-lamps flexible?
انعطاف پذیری	توانایی تغییر یا دگرگونی آسان	یک شی انعطاف پذیر قادر است خم شود بدون اینکه بشکند.	چرا پایه چراغهای میز تحریر انعطاف پذیر است؟
ساعات کاری شناوری چیست؟			
Maintain	Keep from falling		Keep up
حفظ	جلوگیری از خرابی		نگهدارید تا
Level			Measured quantity or amount
سطح			مقدار یا مقدار اندازه گیری شده
Stocks			Total amounts of goods in store
موجودی ها			مقادیر کل کالا در انبار
			Characteristic
			مشخصه

سوالات درک مطلب

۱- مشخصه ی (ویژگی) اصلی تولید دسته ای چیست؟

الف) لحاظ نمودن احتیاجات خاص مصرف کننده

ب) انتقال از یک عملیات به دیگری

ث) طرح استقرار جریان

د) تولید بیش از نیاز ضروری

۲- مونتاژ نهایی یک وسیله ی نقلیه یک مثال نمونه از :

الف) تولید دستی

ب) تولید دسته ای

ج) تولید جریان

د) همه ی موارد بالا

۳- حجم محصول نوع محصول را تعیین می کند.

الف) همیشه

ب) لزوماً

ج) برای همیشه

د) گهگاه، موردی

۴- نیروی کار ماهر کمتر احتمال دارد در یک.....

الف) طرح استقرار فرایندی

ب) طرح استقرار جریان

ج) انعطاف پذیری بیشتر

د) سطح بالایی از موجودی

۵- "That is to say" در خط ۱۳ مترادف

الف) به هر حال، اما

ب) با این وجود

ج) با وجود

د) به عبارت دیگر

بهره‌وری

تحلیلگران بازار، چند سال گذشته با علاقه پیشرفت و رشد شرکت معظم الکتریکی را تعقیب (دنبال) می کردند. هفته ی قبل، مدیر عامل شرکت، آقای لارنس ایسینگ گزارشات بازدهی و سود سال قبل را اعلام کرد. طبق گفته ی ایسینگ یکی از جنبه های بحرانی محیط سازمانی، وضعیت تکنولوژی است که روی آن سازمان اثر می گذارد. شرکت رند برای هر نوع تغییری که ممکنه در بازار رخ بدهد طرحهای خودش را آماده دارد. ولی شرکت رند همیشه یکی از رهبران بازار نبوده است. **Take Over** تملیک کردن یک شرکت. ۴ سال پیش، عملکرد شرکت همشه پایین بود و صحبت های زیادی در مورد تملیک این شرکت توسط رقیب آمریکایی اش یعنی استاندارد الکترونیکس بود. دیوید کندی از شرکت وال استریت ۲ دلیل این تغییرات را پیشنهاد می دهد. **Suggest** پیشنهاد دادن. از آن جایی که این یک واقعیت است که توسعه تکنولوژی و سرمایه گذاری زیاد روی عملکرد تاثیر زیادی دارند اما این کل داستان نیست. به نظر من ورود معاون اجرایی جدید مدیر عامل پیتر فرینگل سه سال قبل برای شرکت بسیار با اهمیت بود. او نفوذ زیادی در بهره‌وری و افزایش کارایی شرکت داشت. **Business Eye** درباره این موضوع مصاحبه کرده است. در این صنعت اگر بر روی عقاید و ابزارهای جدید سرمایه گذاری نکنید شانس کمی برای موفقیت دارید. در واقع به عنوان بخشی از برنامه توسعه امان ما سال آینده ۲,۵ میلیون دلار در کارخانه قطعاتمان در کالیفرنیا سرمایه گذاری خواهیم کرد. اما من فکر می کنم عامل اصلی رشد ما توانایی ما بوده است که تمام قسمتهای شرکت به نحو موثری عملکرد داشته باشد.

بخش عمده ای از خط مشی فرینگل عبارت بود از تاکید خاصی بر روی مهندسی صنایع و سازمان و روش ها.

یک مقدار کار زیادی که انجام شده بر روی بهبود روش و تجزیه و تحلیل ارزش منجر شده به کارایی بیشتر در زمینه ی مدیریت مواد و روشها و فرایندهای تولید. این به نوبه خود منجر می شود به استفاده ی بهتر از نیروی انسانی، کارخانه و تجهیزات. **Has Meant** (منجر شدن)

از دیدگاه اداری، روشها، پیشرفت محسوسی کرده اند با طراحی سیستمهای فرآیندی اطلاعات جدید.

آیا دستیابی در زمینه ی تحقق حل مشکلات برای رند مشکل است؟

پیتر فرینگل دوباره می گوید: این مشکل بود اگر پرسنل را متقاعد نمی کردیم که شرکت آینده دارد. ما آنها را برای رسیدن به این باور درست تشویق می کنیم.

به نظر می رسد پیتر فرینگل درست می گوید. شرکت رند توسعه پیدا خواهد کرد در اروپا به زودی زمانی که شرکتهای داچ و اسپیرز را تملیک بکند و ممکنه این ویدئوهای جدید **CV** تا پایان سال برای فروش آماده شود. سرمایه گذاران اگر در سهام رند سرمایه گذاری نکنند اشتباه کرده اند.

Do worse بد عمل کردن

leads	Directs the course of	Is at the head of	
منجر		هدایت این دوره از	
giant	Person or thing of very great size		
کنت	شخص یا چیزی از اندازه بسیار بزرگ		
Announced	Gave notice of	Gave out the information that	
اعلام	اطلاع از	دادن اطلاعاتی که	
Critical	This is the adjective from crisis	Which is a decisive turning-point in the course of anything	What is the meaning of critical in the expression critical path analysis(unit ۸)
بحرانی	این صفت بحران است	چیزی که نقطه عطف تعیین کننده در این دوره از هر چیزی است	معنای critical در بیان تجزیه و تحلیل مسیر بحرانی چیست (واحد ۸)
environmen t	All the surrounding conditions which affect(see the definition) function and development. How do dirty, smoky factories affect the environment?		
محیط	همه به شرایط محیطی که بر (نگاه کنید به تعریف) تابع و توسعه است. چگونه کثیف، کارخانه های دودی محیط زیست تاثیر می گذارد؟		
State	condition	Way of existence as determined by surrounding conditions.	The machine parts were left outside and are now in a very bad state.
	شرط	راه وجود به عنوان شرایط اطراف تعیین می شود.	
	What is wrong with the parts?	What must be done to them?	What is meant by an employees state of health?
		چه باید انجام دهند	
affects	Has an effect on; produces a change in.	How does a dirty environment at work affect efficiency?	
تاثیر می گذارد	دارای یک اثر در، تولید تغییر در	چگونه یک محیط کار کثیف، روی کارایی اثر می گذارد،	
Take- over	One company getting control of another.		
	یک شرکت گرفتن کنترل یکی دیگر		
rival	Person, company , organization, ect. That competes with another		
رقیب	فرد، شرکت، سازمان، و غیره. که رقابت می کند با دیگری		
Change around	Change in course or path in the opposite direction		
تغییر	تغییر در دوره و یا مسیر در جهت مخالف		

impact	effect		
تأثیر	اثر		
significant	important	Full of meaning	The verb signify means be a sign or indication of
قابل توجه	مهم	پراز معنا	
On a factory floor, what do the symbols below signify?			
در کف کارخانه، چه نمادهای زیر نشان؟			
influence	Power to affect others; power to produce effects.	The verb is also influence.	How did Henry Ford influence production methods?
نفوذ	توانایی تأثیر روی دیگران، توانایی ایجاد اثر	فعل نفوذ است.	چگونه هنری فورد تحت تأثیر روشهای تولید قرار گرفت؟
chance	Possibility; opportunity(=good time for the purpose)		
شانس	امکان، فرصت (= زمان خوبی برای هدف)		
emphasis	Attention or importance given to something.	The verbs emphasize means "give special force or importance to".	How are do used for emphasis?
تاکید می کند	توجه و یا اهمیت به چیزی داده شده است.		فعل تاکید معنی می دهد اهمیت ویژه دادن به
O&M			
مخفف سازمان و روشها			
utilization	Getting profit or benefit from, by making better use of; putting into practical or profitable use.		
استفاده	گرفتن سود یا بهره مندی از، با استفاده بهتر از. قرار دادن به استفاده عملی و یا سودآور است.		
persuaded	Caused ("all personnel") to believe by suggestion, reason or argument.	What do product advertisements attempt to persuade consumers to do?	What must good salesmen be persuasive?
متقاعد	باعث (تمام پرسنل) به پیشنهاد، دلیل یا استدلال بر این باورند.	تبلیغات محصول چه تلاش برای متقاعد کردن مصرف کنندگان انجام دهید؟	چه چیزهایی را باید فروشندگان خوب قانع کننده باشد؟
acquisition	Process of getting possession of.	How is experience acquired?	
تملیک، اکتساب	مراحل گرفتن در اختیار داشتن.	چگونه تجربه به دست آورد است؟	
shares	Equal parts into which total worth of a corporation is divided.	Describe the relative movements of the shares in the table below.	

سهام	قسمت مساوی به که ارزش کل یک شرکت تقسیم شده است	شرح حرکات نسبی سهام در جدول زیر
------	--	---------------------------------

سوالات درک مطلب

در چند سال گذشته به دلیل

۱- با توجه به متن،

(الف)

ب) تلاشهای انجام شده توسط مدیر عامل جدید

ث) عملیات کارآمد از تمام بخش های شرکت

ل) توسعه فن آوری قابل توجهی

۲- **David Dennedy** چه کسی است؟

(الف) استانداردارد الکترونیک معاون اجرایی مدیر عامل

ب) مدیر سازمان و روشها جدید

ث) معاون اجرایی مدیر عامل

د) هیچ یک از موارد

۳- تجزیه و تحلیل ارزش یکی از اجزای ...

الف) مهندسی صنایع

ب) اداری

ث) مدیریت منابع انسانی

د) توسعه فناوری

۴- **Change-around** در خط ۱۲ مترادف ...

الف) افزایش کارکنان

ب) تغییر جهت

ل) کاهش کارایی

د) حصول سود، اکتساب سود

۵- **Incentive** (انگیزه) در خط ۳۳ مترادف ...

الف) انگیزه

ب) تخمین

ث) تصمیم

د) پذیرش

تحقیق و توسعه

همه مدیران تحقیق و توسعه دو مسئولیت مهم دارند : (۱) آنها بایستی مطمئن باشند که شرکت با پروژه های موفق از نظر فنی تامین شده. و (۲) آنها بایستی امیدوار بخش ترین طرح ها انتخاب کنند برای هزینه هایی که برای منابع تحقیق و توسعه انجام می شوند Promising (امید بخش).. این کار تحقیق و توسعه به دلیل وجود عدم قطعیت های متعدد مشکلاتی دارد زیرا تحقیقات و توسعه ی بازرگانی بایستی مبتنی باشد بر پیش بینی های بازار. Inasmuch (زیرا). Complicated (پیچیده است، مشکل است)، Based On (مبتنی باشد بر)، Regular (منظم)

اگر مدیریت تحقیق و توسعه بتواند تامین (ایجاد) کند جریانی منظم از محصولات جدید و به روز از راههای متعددی سود خواهد برد. اول از همه، شرکت میتواند به نحو کاملی استفاده کند از منابع گران آن دپارتمان (مربوط به واحد تحقیق و توسعه)، مهندسی توسعه و ظرفیت بازاریابی موجود (در دسترس).

علاوه بر آن، یک جریان از برندگان جدید بازار، تامین می کند کسب و کار را با یک رشد ثابت از درآمد و سود. Steady (ثابت)، Assess (ارزیابی کردن).

این می تواند از جنبه ی روانی هم دارای اهمیت باشد زیرا، بر این اساس است که افراد خارج از شرکت می توانند کیفیت مدیریتش را ارزیابی بکنند.

شغل واحد تحقیق و توسعه مشکلتر می شود بدلیل اینکه طول زمان بیشتری را برای تکمیل تحقیقات لازم دارد. برای مثال در صنایع شیمیایی و دارویی، ممکنه ۵ تا ۱۰ سال طول بکشد قبل از اینکه آن محصول موفقیت فنی پیدا کند ۶ تا ۸ سال طول می کشد تا از نظر تجاری کامل بشود.

به منظور دستیابی به نتایج، تحقیق و توسعه باید تعریف کند حوزه ی مورد بررسی اش را و اهدافی که می خواهد در آن حوزه به آن برسد. به همین دلیل، واحد تحقیق و توسعه بایستی تمام جنبه های طراحی، کاربرد، کارایی و استفاده از مواد اولیه مناسب را مد نظر قرار دهد (توجه کند).. Appropriate (مناسب)

بین توسعه محصولات مصرفی جدید و توسعه محصولات صنعتی جدید یک اختلاف وجود دارد. در بازارهای مصرفی، جستجو (بررسی) برای یک محصول جدید اغلب شروع می شود پس از مشخص شدن یک نیاز خاصی، و بدین ترتیب توسعه ی آن محصول سفارش می شود. در بسیاری از بازارهای صنعتی، توسعه و ایجاد محصول نتیجه ی تحقیقات آزمایشگاهی است. این کار اغلب ناشی از یک نیاز کلی است مثل یک داروی جدیدی، یا سرعت عملکرد بالاتر برای ماشین آلات. وقتی که پروژه ی صنعتی جدید به بهره برداری رسید عملکردش می تواند تجزیه و تحلیل شود بر حسب نیازهای مشتریان. Aimed at (ناشی می شود).